

پرسش ۴۹: معنای آیهی ( خداوند نور آسمانها و زمین است... هر بامداد و شبانگاه تسبیحش گویند )

سؤال / ۴۹: في سورة النور من آية: (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ \* فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ) [261]. ما معنى قوله تعالى في هذه الآية؟

پرسش ۴۹: در سورهی نور در آیهی ( خداوند نور آسمانها و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که در آن، چراغی باشد، آن چراغ درون آبگینه‌ای و آن آبگینه چون ستاره‌ای درخشانده از روغن درخت پر برکت زیتون که نه خاوری است و نه باختری افروخته باشد، روغنش روشنی بخشد هر چند آتش به آن نرسیده باشد، نوری افزون بر نور دیگر خدا هر کس را که بخواهد به آن نور راه می‌نماید و برای مردم مثل‌ها می‌آورد، زیرا بر هر چیزی آگاه است \* در خانه‌هایی که خدا رخصت داد که منزلتشان رفعت یابد و نامش در آنجا یاد شود و او را هر بامداد و شبانگاه تسبیحش گویند» [262] . معنای فرموده‌ی خداوند در این آیه چیست؟

الجواب: (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ): أي إنّ السماوات والأرض - وهي كتاب الله سبحانه وهي محمد - إنما هي تجلي الله سبحانه وظهوره في الخلق، أو هي تجلي نور الحقيقة والكنه في الخلق، أو هي تجلي صفات الكمال الإلهي في الخلق، وكل هذه التعبيرات واحد.

پاسخ: الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ): یعنی آسمانها و زمین که همان کتاب خداوند سبحان و متعال و همان محمد (ص) می‌باشد، تجلی خداوند سبحان و

ظهور او در خلق می‌باشد، یا تجلّی نور حقیقت و کُنه در خلق، یا تجلّی صفات کمال الهی در خلق و همه‌ی اینها تعبیرهای یکسانی هستند.

(مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ) : محمد و صدره بالخصوص.  
(مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ) : محمد (ص) و به خصوص سینه‌ی آن حضرت.

(فِيهَا مِصْبَاحٌ) : علم محمد الصادر منه بعد أن أفاضه الله عليه.  
(فِيهَا مِصْبَاحٌ) : علم محمد (ص) که از او صادر می‌شود، پس از آنکه خداوند بر او افاضه فرمود.

(الْمِصْبَاحُ) : علي وصيه (ع) والمبلغ عنه وباسمه .  
(الْمِصْبَاحُ) : علي (ع) وصی آن حضرت و ابلاغ کننده از سوی او و به نام او.

(فِي زُجَاةٍ) : فاطمة .  
(فِي زُجَاةٍ) : فاطمه (س).

(الرُّجَاةُ) : الحسن والحسين عليهما السلام.  
(الرُّجَاةُ) : حسن و حسين (ع).

وهؤلاء الخمسة أصحاب الكساء متداخلين ومشتبكين بعضهم مع بعض، وكذلك تلاحظ زجاجة والزجاجة، مصباح والمصباح.

و اینها پنج تن اصحاب کساء هستند که با هم متداخل و آمیخته‌اند، و هم‌چنین به (زجاجه و الزجاجه)، (مصباح و المصباح) توجه نماید.

(كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ): القائم (ع)، فهو الكوكب الدرّي ([263]).  
( كَانَهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ ): قائم (ع)، که ستاره‌ای درخشانده است. ([264])

(يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ): شجرة في وسط الجنة هي شجرة علم محمد وآل محمد التي نهى الله آدم (ع) عن الأكل منها.  
( يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ ): درختی است در وسط بهشت که درخت علم محمد و آل محمد (ص) است و خداوند آدم (ع) را از خوردن از آن نهی نمود.

(يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ) : لأنها كلمات الله سبحانه وهي القرآن، فهذا الزيت هو المدد الإلهي وهو القرآن.  
(يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ): زیرا اینها کلمات خداوند سبحان و همان قرآن می‌باشند، و این روغن همان مدد الهی و همان قرآن است.

(نُورٌ عَلَى نُورٍ): إمام بعد إمام، وهم علي بن الحسين (ع)، ومحمد بن علي (ع) وجعفر بن محمد (ع)، وموسى بن جعفر (ع)، وعلي بن موسى (ع)، ومحمد بن علي (ع) وعلي بن محمد (ع)، والحسن بن علي (ع)، ومحمد بن الحسن المهدي (ع).

(نُورٌ عَلَى نُورٍ): امامی است پس از امام، و آن‌ها عبارتند از علی بن الحسین (ع) و محمد بن علی (ع) و جعفر بن محمد (ع) و موسی بن جعفر (ع) و علی بن موسی (ع) و محمد بن علی (ع) و علی بن محمد (ع) و الحسن بن علی (ع) و محمد بن الحسن المهدی (ع).

(يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ): نور الله القائم (ع)، فمن شاء أن يهتدي شاء الله أن يهديه وهداه لنصرته (ع).

(يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ): نور خداوند قائم (ع) است؛ پس هر کس که بخواهد هدایت شود، خداوند نیز خواهان هدایت او می‌شود و او را بر نصرت آن حضرت (ع) هدایت می‌فرماید.



[261] - النور : 35.

[262] - نور: 35 و 36.

[263] - عن الصادق جعفر بن محمد (ع) قال: (قال رسول الله : لما اسري بي إلى السماء أوحى إلي ربي <sup>جلجله</sup> فقال: يا محمد إنني أطلعت على الأرض إطلاعة فاخترتك منها فجعلتك نبياً وشققت لك من اسمي اسماً، فأنا المحمود وأنت محمد، ثم أطلعت الثانية فاخترت منها علياً وجعلته وصيك وخليفتك وزوج ابنتك وأبا ذريتك، وشققت له اسماً من أسمائي ... يا محمد تحب أن تراهم؟ قلت: نعم يا رب فقال عز وجل: ارفع رأسك فرفعت رأسي وإذا أنا بأنوار علي وفاطمة والحسن والحسين، وعلي بن الحسين، ومحمد بن علي، وجعفر بن محمد، وموسى بن جعفر، وعلي بن موسى، ومحمد بن علي وعلي بن محمد، والحسن بن علي، ومحمد بن الحسن القائم في وسطهم كأنه كوكب دري) كمال الدين وتمام النعمة - الشيخ الصدوق : ص 252.

[264] - از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: (رسول خدا (ص) فرمود: هنگامی که به آسمان برده شدم پروردگارم به من وحی فرمود: ای محمد! بر زمین نظر افکندم و تو را برگزیدم و تو را نبی قرار دادم و اسمی از اسم

خودم برایت مشتق نمودم؛ پس من محمود هستم و تو محمد. سپس دوباره به زمین نظر افکندم و علی را برگزیدم و او را وصی، جانشین، همسر دخترت و پدر فرزندان قرار دادم و اسمی از اسامی خودم را برایش مشتق نمودم.... ای محمد آیا می‌خواهی آن‌ها را ببینی؟ گفتم: بله پروردگارم. پروردگار عزوجل فرمود: سر بلند کن. سر بلند کردم و ناگاه انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و محمد بن الحسن قائم را دیدم که در وسط آن‌ها مانند ستاره‌ی درخشان بود.....(کمال الدین و تمام النعمه: ص 252).